

تحلیل رفتار بازیگران خارجی در بحران سوریه؛ همگرایی‌ها و واگرایی‌ها

مهدی روحی^{۱*}
ابراهیم حاجیانی^۲

چکیده

یک پایه وضعیت پیچیده تحولات سوریه، مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در حوادث سوریه است. حدود بیست بازیگر به‌طور مستقیم، در تحولات سوریه، نقش آفرینی می‌کنند. حتی برخی بازیگران همچون روسیه، ایران، حزب‌الله لبنان، آمریکا و ترکیه به‌صورت مستقیم در این کشور حضور نظامی دارند. رژیم صهیونیستی هم گاهی حملات هوایی را در سوریه انجام می‌دهد. برخی دیگر حمایت مستقیم مالی و تسلیحاتی از معارضین و مخالفین دولت سوریه به عمل می‌آورند. بی‌شک تحلیل منطقی آینده سوریه، بدون شناسایی اهداف و رفتار هر یک از این بازیگران ممکن نیست. مناسب‌ترین روش تحلیل رفتار بازیگر، نظریه بازی‌هاست که کنش هر بازیگری را متناسب با رفتار سایر بازیگران مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در این مقاله، بازیگران متعدد ابتدا بسته به اهداف و برنامه‌ها در ۷ گروه تقسیم‌بندی شدند؛ سپس رفتار هر یک با در نظر گرفتن این نکته که چه مقدار در رفتار دیگر بازیگران تأثیرگذار است مورد بررسی قرار گرفت. در پایان برای ارزیابی ملموس اثرگذاری رفتار هر بازیگر نسبت به بازیگر دیگر، از نرم‌افزار آینده‌پژوهی «مکتور» (MACTOR) استفاده شده است. این نرم‌افزار، ۷ طیف بازیگر را بر اساس اهداف سه‌گانه «حفظ بشار اسد»، «مبارزه با تروریسم» و «حفظ تمامیت ارضی سوریه» مورد تحلیل قرار داده است.

واژه‌های کلیدی:

سوریه، بازیگر خارجی، بازی‌ها، مکتور، آینده‌پژوهی.

^۱ دانشجوی دوره دکتری مطالعات منطقه‌ای دانشگاه جامع امام حسین (ع)

^۲ مدیر گروه پژوهش‌های مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام

مقدمه

زمانی که نخستین تظاهرات مردمی با هدف عزل استاندار در مسجد جامع‌العمری در شهر درعا (جنوب سوریه و هم مرز با اردن) در اواخر سال ۲۰۱۱ صورت گرفت و به اولین جرقه‌های اعتراضات در سوریه شهرت یافت، شاید هیچ کس باور نمی‌کرد که این اعتراضات کوچک، روزی منجر به بزرگ‌ترین مسئله بین‌المللی و جهانی شود. امروز یکی از پیچیده‌ترین مسائل بین‌الملل، مسئله گره‌خورده سوریه است. یعنی قریب به ۷ سال است که سوریه این کشور زیبای عربی که روزگاری هم‌زیستی مسالمت‌آمیز اقوام و مذاهب آن نماد سکولار بودن حاکمیتش و آزادی دینی بود، درگیر جنگ داخلی است. به اذعان کارشناسان داخلی و خارجی مسئله سوریه امروز صرفاً یک جنگ داخلی و منازعه بر سر حقوق شهروندی نیست، بلکه جنبه‌ای کاملاً بین‌المللی دارد حتی برخی پا را از این فراتر نهاده و مسئله سوریه را جنگ جهانی سوم در مقیاس کوچک شده آن تبیین می‌کنند (واشنگتن‌پست، ۲۰۱۶).

از طرف دیگر برخی از کارشناسان بر این باورند که حوادث سوریه بدون مداخله خارجی یقیناً این چنین گستره نمی‌شد و آتش آن چنین شعله نمی‌کشید (تسنیم، ۱۳۹۴). چنانچه برخی ارزیابی‌ها حاکی از آن است که بیش از یکصد هزار جنگجوی خارجی در سوریه علیه دولت بشار اسد در حال جنگ هستند (شمشادی، ۱۳۹۲). این مسائل حاکی از نقش‌آفرینی قدرت‌های خارجی در مسئله سوریه است. چراکه حضور چنین حجم عظیمی از نیروها و تجهیز چنین تعدادی بدون هماهنگی خارجی به‌یقین امکان‌پذیر نخواهد بود. در این مقاله سعی خواهد شد به مسئله سوریه از بعد مداخلات خارجی و به اصطلاح نقش بازیگران خارجی پرداخته شود. به‌یقین هر یک از بازیگران در سوریه دارای اهداف و مقاصد خاصی بوده و برای تحقق آن هزینه می‌کنند. تدابیر جنگ داخلی کشوری را بدون حمایت قدرت خارجی نامفهوم می‌داند. وی یکی از ارکان آغاز و تداوم جنگ داخلی کشوری را مداخلات قدرت‌های دیگر و حمایت آن‌ها از مخالفان و حتی دولت مستقر می‌داند (گر، ۱۳۷۴: ۲۴۰).

از این رو برای درک درست از ماهیت حوادث سوریه شناخت اهداف و رفتار بازیگران، برای تحلیل صحیح و منطقی شرایط و وضعیت جنگ داخلی سوریه ضرورت می‌یابد؛ یکی از روش‌های کارآمد در تحلیل رفتار بازیگران نظریه بازی‌هاست که می‌تواند کنش رفتار بازیگران نسبت به همدیگر را مورد تحلیل قرار دهد. از این رو پس از شناسایی بازیگران مهم تحولات سوریه، به بررسی اهداف و نوع رفتار آن‌ها در تحولات سوریه خواهیم پرداخت. در این صورت

صحنه حوادث سوریه که متأثر از اهداف و رفتار بازیگران خارجی متعدد است روشن‌تر شده و تحلیل تحولات آینده سوریه با نگاهی عمیق‌تر و علمی‌تر مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. پژوهش‌های صورت گرفته در مسئله عمدتاً روزنامه‌ای بوده است، تنها مقاله پژوهشی در این حوزه نوشته عبدالرحیم پدram تحت عنوان «فرایند سناریونویسی در موضوعات راهبردی (مورد کاوی سناریوهای آینده بحران سوریه)» است. پژوهش فوق که به صورت کتاب نیز منتشر شده بیشتر تشریح سناریونویسی است و در فصل آخر آن، تحلیل سناریویی در مسئله سوریه پیاده شده است و بیشتر جنبه آموزشی دارد. و در نهایت آینده تحولات سوریه را بدون توجه به بازیگران مطرح، سناریونویسی کرده است. تفاوت پژوهش حاضر با مقاله مذکور (سناریونویسی)، تأکید بر رفتار بازیگران و تأثیر هر یک از آن‌ها بر دیگری؛ همچنین تحلیل و ترسیم واگرایی‌ها و هم‌گرایی‌هاست که سناریونویسی این مطلوب را به دست نمی‌دهد چراکه سناریونویسی، سناریوهای محتمل را در موضوع سوریه به دست داده است.

روش‌شناسی

چنانچه اشاره شد موضوع مورد تحلیل، مسائل سوریه از حیث تحلیل رفتار بازیگران خارجی خواهد بود. اهمیت رفتار بازیگران خارجی از این جهت است که چنانچه بشار اسد رئیس‌جمهور این کشور اعلام کرد اگر حمایت‌ها و مداخلات خارجی در سوریه قطع گردد؛ جنگ سوریه در کمتر از یک سال قطع می‌گردد (اسد، ۱۳۹۴). از خصیصه‌های جنگ آن هم با مداخله چند بازیگر که اتفاقاً قدرتمند هم هستند، محیطی پویا و روابطی غیرخطی است (Morecroft & Sterman, 1994: 132-141)؛ روش مناسب برای تحلیل رفتار بازیگر با ویژگی پویایی استفاده از نظریه بازی^۱ هست. نظریه بازی‌ها از مسائل ریاضیات کاربردی است که در علم اقتصاد توسعه یافت و در نهایت برای تحلیل رفتار راهبردی بین «عوامل عقلانی» بکار رفت. اصطلاح رفتار راهبردی جایی بکار می‌رود که رفتار و انتخاب یک بازیگر صرفاً متکی به انتخاب خود نبوده و به انتخاب بازیگر مقابل نیز بستگی دارد (عبدلی، ۱۳۸۶: ۲۰). در نظریه بازی‌ها از موقعیت‌های رقابتی بحث می‌شود که در آن دو یا چند بازیگر عقلانی با منافع مختلف و گاهی حتی متضاد رو در روی یکدیگر قرار می‌گیرند. هر یک از بازیگران در مقابل رقیب، چند انتخاب دارند. هر بازیگر، سعی می‌کند بیشترین منافع را برای خود جلب کند. در این صورت به همان مقدار از منفعت رقیب کاسته می‌شود (عرب، ۱۳۷۸: ۱۶۳).

1. Game Theory

از طرفی تحلیل بدون پیش‌بینی و آینده‌نگری شاید کارآیی و نفع عملی لازم را نداشته باشد. از این رو برای ترسیم بهتر آینده رویارویی بازیگران خارجی در مسائل سوریه و پیش‌بینی روابط بین آن‌ها از روش نرم‌افزاری مکتور^۱ استفاده شده است. نرم‌افزار مذکور به بررسی راهبردها و جهت‌گیری‌های بازیگران و نحوه مواجهه با برنامه‌ها و قدرت توازن بین آن‌ها می‌پردازد. وابستگی‌ها، همگرایی‌ها و واگرایی‌های بازیگران، اهداف و مسائل کلیدی را استخراج می‌کند (آرکید، ۱۹۹۹).

در این خصوص سه مؤلفه کلیدی تأثیرگذار که هر بازیگر نسبت به بازیگر دیگر در اختیار دارد به ترتیب: اصرار، توان و نفوذ خواهد بود؛

- اصرار؛ منظور از اصرار، اهمیت ذهنی بازیگر، نسبت به موضوع و سهم آن در دستیابی به اهدافش است. که به نوعی، میزان اراده او برای اعمال نفوذ روی مسئله را نشان می‌دهد.
- توان؛ منظور از توان، بیانگر میزان توانمندی او برای نفوذ مستقیم روی پیامدها با استفاده از ابزارهای در اختیار است.

- نفوذ؛ نفوذ یک بازیگر روی بازیگر دیگر، بیانگر توان تحت نفوذ درآوردن رفتار سایر بازیگران است و به نوعی توانایی تحمیل اراده به صورت غیر اجبار آمیز است (Jesse, 2011: 43).

بر این اساس، در نرم‌افزار آینده‌پژوهی مکتور، ابتدا ماتریس تأثیر متقابل بازیگر بر سایر بازیگران توسط نخبگان از طریق دلفی پر می‌شود. در این مرحله تأثیر هر بازیگر بر سایر بازیگران از «۰» تا «۴» امتیازدهی می‌شود. امتیاز «۰» یعنی هرگونه انتخاب بازیگر «الف» در مسئله، بر بازیگر «ب» هیچ‌گونه تأثیری ندارد. و امتیاز «۴» یعنی هرگونه تصمیم‌گیری بازیگر «الف» بیشترین تأثیر را بر بازیگر «ب» خواهد داشت. در ماتریس دیگر، توان، اصرار و نفوذ هر بازیگر در ایجاد تحول در موضوعات سه‌گانه که در مسئله ما «حفظ تمامیت ارضی»، «حفظ بشار اسد» و «مبارزه با تروریسم» است از طریق دلفی کارشناسان ارزیابی می‌شود. امتیازدهی در این مرحله از «-۴» تا «+۴» را شامل می‌شود. یعنی مثلاً «حفظ تمامیت ارضی» برای بازیگر «الف» ممکن است خیلی پراهمیت باشد که بالاترین امتیاز یعنی «+۴» می‌گیرد و ممکن است نتیجه دلفی خبرگان «+۳»، «+۲»، «+۱»، «۰»، «-۱»، «-۲»، «-۳» و یا «-۴» باشد. در این مرحله امتیاز منفی یعنی آن بازیگر در آن مسئله مخالف است؛ مثلاً در خصوص «حفظ تمامیت ارضی» نمره منفی یعنی، بازیگر درصدد تجزیه سوریه است. پس از تکمیل این دلفی‌ها، نرم‌افزار خود به ارزیابی داده‌ها می‌پردازد و بر اساس داده‌ها، تأثیر مستقیم، غیرمستقیم و متقابل

^۱. MACTOR

بازیگران برهم و همچنین نسبت بازیگران نسبت به اهداف را در قالب نمودارها و خروجی‌های هندسی ترسیم می‌کند. در پایان وظیفه پژوهشگر تحلیل نمودارها و خروجی‌های نرم‌افزار مکتور، بر اساس دانش خود از نرم‌افزار مکتور خواهد بود.

بازیگران خارجی

در مسئله سوریه اگر بخواهیم به صورت دقیق به بازیگران فعال در آن بپردازیم قطعاً می‌توانیم بیش از ۲۰ بازیگر فعال را با اهداف و رویکردهای منحصر به فرد شناسایی کرد. ولی از آنجاکه تحلیل تأثیر این تعداد بازیگر بر همدیگر بسیار پیچیده و گنگ خواهد شد، به شکلی که مزیت کاربرد مکتور نیز از بین خواهد رفت، ضرورت دارد از تعداد بازیگران کاسته شود. در مقابل نادیده گرفتن تعمدی برخی بازیگران، تصویری غیرواقعی به دست خواهد داد. لذا منطقی‌ترین روش برای رفع مشکل، در کنار هم قرار دادن بازیگرانی است که قرابت بیشتری در مسئله سوریه دارند. از این رو بازیگران مختلف را در چند گروه تقسیم‌بندی نمودیم. چنانچه اشاره شد در هر گروه نیز ممکن است که اهداف یا استراتژی بازیگر در گروه خود با دیگری کمی متفاوت باشد مثلاً در محور عربی عربستان، قطر و امارات هرچند در یک گروه هستند ولی دارای نقش‌های متفاوت و استراتژی‌های بعضاً مختلفی هستند. یقیناً اهدافی که عربستان در سوریه دارد با قطر متفاوت است چراکه قطر از گروه‌های عمدتاً اخوانی حمایت مالی و لجستیکی می‌کند در حالی که عربستان هم از کردها، معارضین سوری مثل احرار الشام و هم از گروه‌های متلاشی و پراکنده شده داعش حمایت می‌کند. مصر و عمان از کشورهای عربی هستند که رویکردی متفاوت نسبت به مسائل سوریه در پیش گرفته است. حتی میان رویکرد مصر با عمان هم تفاوت‌هایی وجود دارد. ولی نقش این دو کشور به اندازه سایر کشورهای محور عربی نیست. مبنای تقسیم‌بندی نیز سیاست‌های کلی است که از طرف حاکمیت این کشورها از طریق رسانه‌های رسمی اعلام می‌شود و نیز رویکرد عملی این دولت‌ها که به صورت عملیاتی وارد عرصه فعالیت در حوزه سوریه شده‌اند. در هر صورت برای کاستن از تعداد بازیگران و با کلان‌تر دیدن اهداف، می‌توان بازیگران متعدد را در گروه‌های زیر دسته‌بندی کرد:

- محور مقاومت شامل: ایران، گروه‌های مقاومت و دولت عراق
- حزب‌الله لبنان
- محور غربی: به رهبری آمریکا و اتحادیه اروپا (فرانسه، انگلیس و آلمان)
- روسیه

- محور عربی: به رهبری عربستان. شامل قطر، امارات متحده عربی، کویت و اردن
- ترکیه
- رژیم صهیونیستی

از بازیگران دیگر، می‌توان به دولت سوریه اشاره کرد ولی از آنجاکه موضوع مقاله، بازیگران خارجی است لذا دولت سوریه هرچند طرف منازعه است ولی در شمار بازیگران خارجی محسوب نمی‌شود.

اهداف بازیگران خارجی در مسئله سوریه

الف: اهمیت سوریه برای جمهوری اسلامی ایران

مهم‌ترین موضوعی که اهمیت این پژوهش را مشخص می‌کند اهمیت سوریه و تحولات آن برای کشورمان است. به‌راستی چرا سوریه برای ایران این‌چنین پراهمیت است. برای پاسخ به این پرسش به‌صورت اجمالی اشاره‌ای به برخی مسائل مهم و کلیدی ضرورت خواهد داشت:

سوریه بر اساس آمار سازمان ملل در سال ۲۰۰۸ حدود ۲۰ میلیون و پانصد هزار نفر جمعیت دارد و دارای تنوع قومیتی مذهبی زیادی است. اعراب ۹۰ درصد، کردها ۹ درصد؛ ارمنی آشوری و ترکمن‌ها ۱ درصد جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند. به لحاظ مذهبی اهل سنت حدود ۷۴ درصد، علوی‌ها ۱۲ درصد، مسیحیان ۱۱ درصد و دروزی‌ها ۳ درصد جمعیت سوریه را شکل می‌دهند. و دارای حکومت اقتدارگرایانه بوده و عمدتاً حکومتی سکولار دارد هرچند رئیس‌جمهور این کشور علوی مذهب است (ذوقی بارانی، ۱۳۹۰: ۲۰۱). اهمیت راهبردی سوریه برای ایران را می‌توان در گزینه‌های ذیل ترسیم کرد:

الف: قرار گرفتن در نقطه اتصال سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا، ب: همسایگی با لبنان، عراق و فلسطین که اجزای مهم ژئوپلیتیک مدنظر ایران را شکل می‌دهند. ج: تنها کشور عرب نزدیک به سیاست‌های ایران در اتخاذ سیاست مستقل بین‌المللی. د: مسیر انتقال انرژی ایران به اروپا ن: تأثیرگذاری مهم در موفقیت جبهه مقاومت و رابط ایران با حماس و حزب‌الله لبنان. اهمیت این موارد از این جهت است که اگر حکومت بشار ساقط شود یقیناً دولتی مخالف سیاست‌های اسد روی کار آمده و دسترسی ایران به منطقه قطع خواهد شد (شهریاری، ۱۳۹۵: ۱۲۶). به لحاظ اقتصادی نیز سوریه یکی از بازارهای هدف ایران بوده به شکلی که سوریه یکی از کشورهایی که بیشترین صادرات فنی و مهندسی ایران را دریافت کرده است. میزان سرمایه‌گذاری ایران در سوریه در سال ۲۰۰۸ نیز نزدیک به سه میلیارد دلار برآورد شده است

(سیمبر، ۱۳۹۳: ۱۵۵). موضوع دیگر مسئله کردهای سوریه است که در صورت سقوط دولت اسد کردها توانایی استقلال‌خواهی بیشتری به دست خواهند آورد و این رویه، تجزیه‌طلبی کردها در ایران، عراق و ترکیه را تشدید خواهد کرد. همچنین به لحاظ امنیتی جمهوری اسلامی ایران محور مقاومت و علی‌الخصوص سوریه را سد دفاعی و سپر محافظتی خود در برابر گروه‌های تکفیری و رژیم صهیونیستی می‌داند که اگر این موقعیت از بین برود عمق راهبرد دفاعی ایران از هزار کیلومتر دورتر به مرزهای کشور محدود می‌شود (صفوی، ۱۳۹۱). همه این مسائل دست در دست هم داده‌اند تا جمهوری اسلامی ایران نقش فعال و پویایی را در تحولات سوریه بازی کند و چنانچه اشاره شد در صورت سقوط دولت اسد حکومت آتی سنی بوده و خط‌مشی‌های مخالف دولت کنونی اتخاذ خواهد کرد در این صورت تمامی منافع ایران در سوریه متزلزل خواهد شد (رویوران، ۱۳۹۲).

ب: ائتلاف عربستان

عربستان و جبهه عربی یکی از فعال‌ترین بازیگران مسئله سوریه است. هرچند میزان هزینه کرد محور عربی در سوریه دقیقاً مشخص نیست ولی این نکته کاملاً مشهود است که محور عربی طی ۶ سال اخیر هزینه‌های جنگ علیه دولت بشار اسد را پرداخته‌اند. پرسش اساسی این است که عربستان و جبهه عربی چرا برای سقوط دولت اسد هزینه می‌کنند؟ تحلیل‌گران مختلف در این زمینه بسیار نوشته و گفته‌اند که این نوشتار در صدد بیان همه آن‌ها نیست. ولی در یک جمع‌بندی کلی که همه آن ادله درشت و ریز را تحت پوشش قرار دهد این است: ۱. مقابله صریح با کشورهایی که مخالف سیاست‌های منطقه‌ای عربستان هستند: عربستان و ترکیه پیش از آغاز بهار عربی به دنبال براندازی حکومت بشار بودند و بهار عربی تنها محملی بر این شد که محور عرب و غربی آشکارا از هدف خود پرده برداشته و به‌صورت رسمی وارد کارزار براندازی شوند دلیل آن نیز چنین است که اولین موضع‌گیری عربستان درباره سوریه به مسئله دادگاه ترور رفیق حریری باز می‌گردد که قطر به‌طور مستقیم و مداخله‌جویانه، خواهان ابقای سعد حریری در پست نخست‌وزیری شد. در این راستا ترکیه، عربستان و قطر به‌طور رسمی وارد فاز براندازی سوریه شدند لذا پس از آغاز بهار عربی، جبهه عربی انتقام از سوریه را به خاطر عدم همراهی با سیاست‌های منطقه‌ای در لفافه دفاع از مردم در سوریه آغاز کرد (متقی، ۱۳۹۴: ۱۴). چنانچه از تحلیل فوق پیداست اولین علل بروز مداخله عربستان مخالفت بشار با سیاست‌های منطقه‌ای دولت سعودی است. نکته‌ای که در مناسبات عربستان با ایران نیز کاملاً مشهود است عربستان ایران را مخالف سیاست‌های منطقه‌ای خود می‌داند. نکته‌ای که دو کشور

را تا آستانه رویارویی مستقیم باهم پیش برد (اسحاقی گرجی، ۱۳۹۴: ۴۲). دومین عامل مهم در مناقشات عربستان با سوریه موضوع ایدئولوژیک است. ناگفته پیداست که عربستان و ایران به لحاظ ایدئولوژیک کاملاً رو در روی همدیگر قرار دارند. عربستان از صدور اندیشه اسلام انقلابی و جبهه مقاومت متضرر می‌شود و در مقابل ایران از توسعه اندیشه وهابی- سلفی عربستان نگران است. در این بازی خطرناک سوریه در زمین ایران بازی می‌کند و عربستان از این موضوع ناخرسند است و سقوط دولت اسد به معنای مفقود شدن یکی از حلقه‌های مهم زنجیر به تعبیر پادشاه اردن هلال شیعی است (ابراهیمی، ۱۳۸۳). با روی کار آمدن یک دولت سنی در سوریه موقعیت ایران در منطقه و در حمایت از حزب‌الله، مقاومت فلسطین و عراق تضعیف خواهد شد (کوهکن، علیرضا، ۱۳۹۳: ۱۱۶).

با این توصیف راهی جز اسقاط دولت اسد پیش روی عربستان و متحدین منطقه‌ای‌اش نیست و چنانچه در سطور پیشین مستند شد در صورت نبود بهار عربی نیز عربستان در صد تحقق این مهم بوده است. شاهد دیگر اینکه پس از تثبیت حکومت اسد پس از ۶ سال جنگ داخلی و تضعیف مخالفان و سقوط حلب، عربستان اعلام کرد رسماً وارد جنگ سوریه خواهد شد (عشیری، ۹۴). هرچند با مخالفت‌های روسیه، ایران و وضعیت نامناسب اقتصادی عربستان به خاطر کاهش قیمت نفت و درگیری در جنگ یمن این موضوع محقق نشد ولی اوج جدیت عربستان در تحقق اهدافش را می‌رساند.

ج. ترکیه

رویکرد ترکیه نسبت به مسائل سوریه در برهه زمانی ۶ ساله متغیر و پیچیده بوده است. ابتدای شکل‌گیری بحران، ترکیه صرفاً سیاست توصیه‌ای در پیش گرفت. لازم به یادآوری است ترکیه از آغاز قرن ۲۱ سیاست و روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، و ناکام ماندن از الحاق به اتحادیه اروپا سیاست گردش به شرق و کاهش اختلافات و تعامل سازنده با همسایگان و علی‌الخصوص کشورهای منشعب شده از امپراتوری عثمانی در پیش گرفت (امیدی، ۱۳۹۰). نویسنده مذکور نام سیاست جدید ترکیه را نوع‌ثانی‌گری می‌نامد. در این مرحله صفر کردن مشکلات با همسایگان کاملاً قابل مشاهده است که ترکیه به بازیگری فعال در حل اختلافات خاورمیانه تبدیل می‌شود به‌عنوان مثال میانجی‌گری در حل پرونده هسته‌ای ایران، بحران سیاسی لبنان، شکاف بین اسرائیل و کشورهای عربی و موارد دیگر (Wagner, 2011). روابط ترکیه با سوریه در این برهه بسیار عالی بود به‌نحوی که اردوغان در سفر سال ۲۰۰۹ به سوریه به اسد می‌گوید: «سوریه برای ما نه تنها بازار ۲۰ میلیون نفری است بلکه دروازه‌ای به سوی

خاورمیانه با جمعیت ۳۰۰ میلیونی است» (همان). ولی با شدت گرفتن حوادث سوریه، ترکیه در چرخشی، سیاست مذکور را کنار گذاشته و وضعیت سوریه را فرصتی تاریخی برای تسلط بر منطقه دید و در حال ریسک در سوریه است. ترکیه در سال ۲۰۱۱ احساس کرد سرمایه‌گذاری بر روی اسد باصرفه نیست و در آینده ترکیه نقشی ندارد بلکه باید روی شورش‌ها سرمایه‌گذاری کند (Barond, 2011). مهم‌ترین دلیل بازی‌های اخیر ترکیه خلاص شدن از تنگنای شدید جغرافیایی است البته روابط نزدیک ترکیه با اخوان المسلمین سوریه که مهم‌ترین بخش اپوزسیون این کشور را شکل می‌دهد را هم باید در نظر داشت در این صورت با توجه به نفوذ ترکیه بر اپوزسیون، بحران سوریه می‌تواند زمینه افزایش نفوذ ترکیه در این کشور را در منطقه فراهم آورد (نیاکویی، ۱۳۹۱).

د. ایالات متحده و محور غربی

بازیگر پراهمیت دیگری که در سوریه نقش کلیدی ایفا می‌کند ایالات متحده آمریکا، و اتحادیه اروپاست. که عمدتاً سه کشور تأثیرگذار آن یعنی انگلیس، فرانسه و آلمان سیاست‌های کلی اتحادیه را ترسیم می‌کنند. از مجموع این کشورها کلیدی‌ترین نقش را بازهم آمریکا ایفا می‌کند. لذا اگر اهداف آمریکا در خاورمیانه را در موارد ذیل خلاصه کنیم: تضمین انرژی منطقه به سوی غرب، پیش برد فرایند صلح خاورمیانه، تأمین و تضمین منافع اسرائیل، ستیز با اسلام سیاسی، کنترل کشورهای مخالف منافع آمریکا و گسترش فرهنگ آمریکایی با تعبیر دموکراسی و بازار آزاد (جوادی، ۱۳۸۴: ۲۶)، سوریه مانع مهمی بر سر اهداف آمریکا خواهد بود. هرچند سوریه به لحاظ سوخت‌های فسیلی غنی نیست ولی مسیر عبور انرژی به سوی اروپاست. در فرایند صلح در خاورمیانه نیز یکی از مسائل مهم سوریه است. چراکه سوریه همواره بر سر مذاکرات صلح مانع ایجاد کرده است. در خصوص راهبرد امنیت اسرائیل نیز، سوریه بخشی از محور مقاومت و حتی زنجیره اتصال ایران به لبنان و فلسطین است. به شکلی که دیدار اسد و کلینتون در سال ۲۰۰۰ در ژنو، مذاکرات رسمی غیرمستقیم در ترکیه در سال ۲۰۰۸ و آخرین دور مذاکرات با حمله اسرائیل به غزه به طور یک‌جانبه از طرف سوریه قطع گردید (موسوی، ۱۳۸۸: ۲). در خصوص مسئله دیگر یعنی کنترل کشورهای مخالف منافع آمریکا نیز سوریه قطعاً یکی از مخالفان آمریکا محسوب می‌شود. در ابتدای قرن جدید مطابق با طبقه‌بندی آمریکا سوریه دولتی مخالف با سیاست‌های آمریکا و پشتیبان تروریسم معرفی شده است. در این گزارش، جنگ با سوریه، جنگ با ایران ارزیابی شده است. ایران، عراق و سوریه اولویت‌های آمریکا برای

تغییر رژیم در قرن جدید معرفی شده‌اند. جالب است که سوریه به‌عنوان گروگان امریکا برای فشار به ایران مورد ارزیابی قرار گرفته است (Bolton, 2011).

اما باید توجه داشت در حال حاضر، بعید به نظر می‌رسد که آمریکا سودای سقوط بشار اسد را آن چنان که جبهه عربی دنبال می‌کند در سر داشته باشد. علت آن نیز وضعیت سوریه بعد از اسد است: «مسئله مهم در تشکیک آمریکا در گزینه حمله نظامی به سوریه، ترس از دوران پس از سقوط اسد و روی کار آمدن افراطیون و به خطر افتادن امنیت منافع آمریکا و رویکرد این گروه با اسرائیل در آینده هست که تاکنون چنین اعتمادی ایجاد نشده است.» (Foreignpolicy, 2013: 4, 5). در نتیجه با توجه به متن فوق، شاید بتوان گفت سیاست امریکا در حال حاضر ادامه جنگ داخلی در سوریه بدون پیروزی هر دو طرف باشد. به‌نحوی که نه دولت اسد سقوط کند و نه جبهه مخالفان به مزیت بالایی دسترسی داشته باشند. این سیاست در حمله موشکی به بهانه حمله شیمیایی دوما نیز کاملاً آشکار شد؛ چنانچه نخست‌وزیر انگلیس اعلام کرد هدف از حمله موشکی ساقط کردن نظام سوریه نبود (ایسنا، ۱۳۹۷).

ن. اسرائیل

در میان کشورهای منطقه، رژیم صهیونیستی بیشترین خصومت و تنش را با سوریه داشته است. دولت اسرائیل که دو بار ارتش سوریه به همراه سایر کشورهای عربی را در جنگ اعراب و اسرائیل شکست داده بود؛ با حمایت ایران و باواسطه سوریه دو بار از محور مقاومت در سال‌های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۸ شکست خورد. این بدیهی است که در شرایط پیش آمده اسرائیل به همراه دوستان خود در آمریکا در صدد ساقط کردن بشار اسد باشند (Cathail, 2011) ولی چنانچه پیش‌تر آمد قبل از اندیشیدن به ساقط کردن بشار اسد، اسرائیل و امریکا باید به فکر بحران سیاسی پس از اسد باشند، ایالات‌متحده و اسرائیل در خصوص امنیت مرزی خود با سوریه به همفکری نرسیده‌اند، تغییر دولت بشار اسد و روی کار آمدن گروه‌های مسلح نقطه تاریک امنیت این رژیم تلقی می‌گردد. آمریکا و اسرائیل هنوز در مورد آینده امنیت و دوران پس از بشار اسد، به نتیجه قطعی نرسیده‌اند. واشنگتن همچنین باید اسرائیل را برای متوقف کردن حصارکشی امنیتی در بلندی‌های تحت اشغال جولان، که از سرگیری مذاکرات صلح در دوران پس از اسد را با مشکل مواجه خواهد کرد، متقاعد سازد. ترس اصلی آمریکا برای دوران پس از بشار اسد، ... به خطر افتادن منافع آن‌ها در منطقه هست. همان ماجرابی که در عراق رقم خورد و شیعیان مخالف با آمریکا، که دوست ایران و سوریه بودند، روی کار آمدند (نیاکویی، همان: ۱۱۶).

البته یکی از سیاست‌هایی که اسرائیل به پیروی از آمریکا دنبال می‌کند موضع تجزیه دولت‌های منطقه و از جمله سوریه است (حسون، ۱۳۹۵). در این صورت با تجزیه شدن کشورهای منطقه، دولت‌های منطقه ضعیف‌تر شده و تهدیدات دولت‌های اسلامی علیه اسرائیل کاسته خواهد شد. نکته‌ای که مقام معظم رهبری نیز بدان اشاره داشتند: «می‌گویند دوران یک عراق، یک سوریه، یک یمن، یک لیبی گذشته؛ یعنی عراق تجزیه بشود، سوریه تجزیه بشود، لیبی تجزیه بشود، یمن تجزیه بشود» (مقام معظم رهبری: ۱۳۹۵/۱۰/۱۹).

و. روسیه

روسیه متحد سوریه است که طی چند سال اخیر کمک‌های شایانی به سوریه نموده و حتی به صورت مستقیم مقابل جبهه مخالفین اسد جنگیده است. بدیهی است حضور روسیه در سوریه ایدئولوژیک و برای تقویت محور مقاومت نیست؛ چراکه با اسرائیل هم روابط خوبی دارد. لذا باید اهداف دیگری را برای روسیه جستجو کرد. به نظر می‌رسد یکی اهداف روسیه در سوریه، احیای پرستیژ بین‌المللی خود پس از فروپاشی شوروی است. از این رو به هیچ وجهی حاضر به کوتاه آمدن در موضوع سوریه در مقابل مخالفین اسد نیست (زرگر، ۱۳۹۲: ۵۶). به عبارت بهتر رویارویی روسیه در سوریه همچون قضیه شبه جزیره کریمه نوعی زورآزمایی بین‌المللی است و روسیه در صدد اثبات اثرگذاری منطقه‌ای و بین‌المللی است. موضوع دیگر اینکه سوریه تقریباً تنها متحد باقیمانده برای روسیه در خاورمیانه است. روسیه هنوز هم بندر طرطوس را از سال ۱۹۷۱ در اختیار خود دارد و روابط این دو کشور استراتژیک است و روسیه حاضر نیست این موقعیت را از دست دهد (همان، ۶۳). خالی کردن عرصه سوریه و سقوط اسد به معنای واگذاری کل خاورمیانه برای رقیب خود یعنی آمریکا است. مسئله دیگر حضور چینی‌های متعددی است که در جبهه مخالفین اسد حضور دارند و ممکن است در صورت بازگشت، برای روسیه مشکل ایجاد نمایند. از همین رو است که روسیه در مقابل آمریکا برای دخالت نظامی در سوریه صریحاً موضع گرفت در حالی که در حمله ناتو به لیبی تقریباً عکس‌العمل مهمی بروز نداد (نادری، ۱۳۹۴). روسیه برخلاف محور غربی و آمریکا واقعاً در حال جنگ با تروریسم در سوریه است و در این مبارزه فعال ظاهر شده است به نحوی که بعد از حضور رسمی روسیه در سوریه پیشروی‌ها همواره به نفع ارتش سوریه بوده و آخرین موفقیت آن نیز، آزادی بسیاری از سرزمین‌های اشغال شده توسط تروریسم بوده است.

ی. حزب‌الله لبنان

بازیگر دیگری که نقش مهمی در تحولات سوریه ایفا می‌کند حزب‌الله لبنان است. دبیر کل این حزب، اهداف حزب‌الله در جهت کمک به ارتش سوریه را در دو نکته خلاصه کرده است، اول اینکه سوریه یکی از مهم‌ترین حامیان حزب‌الله و مقاومت فلسطین به شمار می‌رود. سید حسن نصرالله در جای دیگری گفتند «سیاری از راکت‌هایی که حزب با آن‌ها اسرائیل را هدف قرار داده بود از طریق سوریه به آن‌ها رسیده بود.» (نصرالله، ۱۳۹۱). وی همچنین از نقش دمشق در تجهیز گروه‌های مقاومت فلسطینی در جنگ بیست و دو روزه سخن گفت و صریحاً اعلام کرد که دلیل عمده مقاومت موفقیت‌آمیز حماس، جهاد اسلامی و دیگر گروه‌های مستقر در نوار غزه ناشی از حمایت‌های نظامی - اطلاعاتی سوریه بود و در واقع این بشار اسد بود که راکت‌های کوتاه برد را در اختیار آن‌ها قرار داد (نصرالله، ۱۳۹۱). دیگر دلیل سید حسن نصرالله، جلوگیری از ورود تکفیری‌ها به خاک لبنان است. چنانچه حزب‌الله به کمک ارتش این کشور، بارها حملات تکفیری‌ها از جبهه "قلمون" و "عرسال" را دفع نموده‌اند (مشرق نیوز، ۱۳۹۴).

تحلیل نرم‌افزار مکتور از نقش بازیگران

چنانچه در ابتدای مقاله تبیین شد نقش بازیگران کلیدی در تحولات سوریه در سه حوزه موردبررسی قرار گرفته است؛ اصرار، توان و نفوذ.

برای دستیابی به هدف موردنظر مجموعه تأثیرات بازیگران بر یکدیگر با توجه به نظرسنجی نخبگانی از میان بیش از ده کارشناس آشنا به مسائل سوریه و در قالب نرم‌افزار مکتور، که مناسب تحلیل رفتار بازیگر است نتایج زیر به دست آمد. لازم به یادآوری است قبل از ارائه نتایج ضروری است علائم اختصاری بکار رفته برای فهم نمودارها تبیین شود:

الف: بازیگران و علائم اختصاری آن‌ها در نرم‌افزار:

جدول (۱) بازیگران خارجی و علائم اختصاری بکار رفته در نرم‌افزار

ردیف	کشور	علائم اختصاری
۱	IRAN	I
۲	USA	U
۳	ARABIA	A
۴	HEZBOOLAH	H
۵	RUSSIA	R
۶	TURKY	K
۷	ISRAIL	E

ب: اهداف بازیگران و علائم اختصاری آن‌ها در نرم‌افزار:

جدول (۲) اهداف بازیگران و علائم اختصاری بکار رفته در نرم‌افزار

هدف	علامت اختصاری
حفظ دولت اسد	D
حفظ تمامیت ارضی	C
مبارزه با تروریسم	T

ج: ماتریس تأثیر مستقیم بازیگر بر سایر بازیگران:

جدول (۳) ماتریس تأثیر مستقیم بازیگران بر یکدیگر از ۰ تا ۴

DMI	I	U	A	H	R	K	E
I	0	2	2	0	3	2	2
U	2	0	3	2	2	1	4
A	2	2	0	2	2	2	3
H	2	3	3	0	3	2	4
R	2	2	2	2	0	3	2
K	2	2	2	2	2	0	2
E	2	3	2	3	1	2	0

ماتریس فوق (جدول ۳) میانگین نظر کارشناسان است که به روش دلفی از ۱۰ کارشناس حوزه مسائل منطقه غرب آسیا نظرسنجی شده است. ماتریس تأثیر مستقیم بازیگر بر سایر بازیگران را نمایش می‌دهد. در این ماتریس تأثیر هر بازیگر بر سایر بازیگران از ۰ تا ۴ در نظر گرفته شده است. نمره صفر نشانه عدم تأثیرگذاری و نمره ۴ حاکی از بیشترین تأثیرگذاری است.

د: شدت اصرار بازیگران بر اهداف سه‌گانه:

جدول (۴) ماتریس اصرار، توان و نفوذ هر بازیگر نسبت به اهداف سه‌گانه از (+۴) تا (-۴)

2MAO	D	C	T
I	3	4	3
U	-2	-4	-2
A	-4	-2	-3
H	3	4	3
R	2	3	3
K	-2	-1	-2
E	-2	-3	-2

در این ماتریس (جدول ۴) اصرار هریک از بازیگران بر تحقق اهداف سه‌گانه؛ حفظ دولت بشار اسد، حفظ تمامیت ارضی و مبارزه با تروریسم تبیین شده است. اعداد مثبت حاکی از

اصرار بر تحقق اهداف و اعداد منفی به معنای نگاه منفی آن بازیگر بر تحقق آن هدف هست. مثلاً در مورد ایران (I) برای حفظ اسد کارشناسان ۳ امتیاز داده‌اند درحالی‌که ایالات متحده و محور غربی (U) نمره ۲- هست.

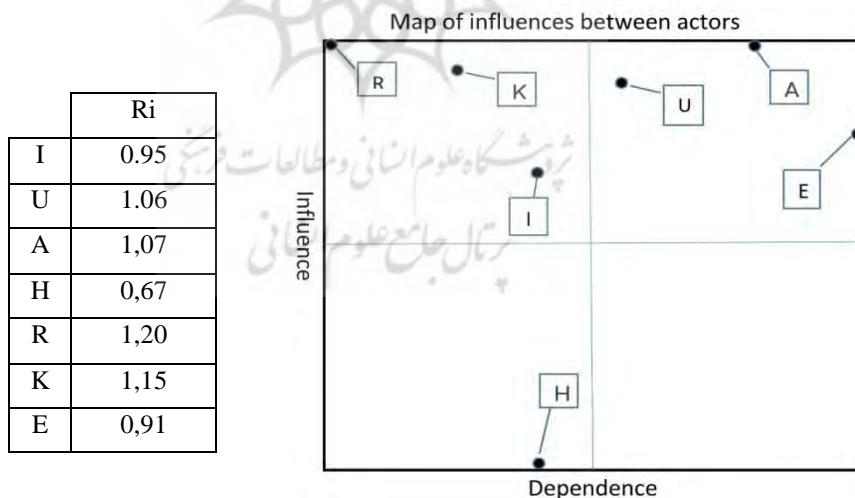
ه: تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بازیگران بر هم

جدول (۵) ماتریس تأثیر مستقیم و غیر مستقیم بازیگر بر سایر بازیگران

MDII	I	U	A	H	R	K	E	Ii
I	10	10	10	10	10	10	10	60
U	11	12	12	10	10	11	14	68
A	12	13	12	11	11	11	13	71
H	12	14	14	11	12	12	16	80
R	12	12	12	10	11	12	12	70
K	12	12	12	10	11	11	12	69
E	11	13	13	10	12	10	13	69
Di	70	74	73	61	66	66	77	478

ماتریس (جدول ۵) تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بازیگر بر سایر بازیگران ترسیم شده است. نشان‌دهنده مجموع اثرگذاری بازیگر بر سایر بازیگران ترسیم شده است. و (Di) نشان‌دهنده شدت وابستگی مستقیم و غیرمستقیم بازیگر از سایر بازیگران است.

ن: نقشه تأثیرگذاری و وابستگی بین بازیگران

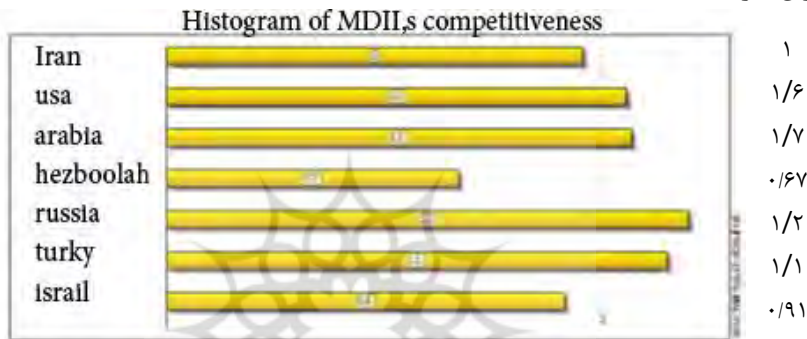


شکل (۱) محور عمودی اثر گذاری و محور افقی وابستگی بازیگران

محور عمودی اثرگذاری و محور افقی وابستگی را نشان می‌دهد (شکل ۱)، لذا در نقشه هر چه بازیگر در قسمت شمال غرب قرار بگیرد قدرتمندتر عمل می‌کند. در قسمت جنوب غربی

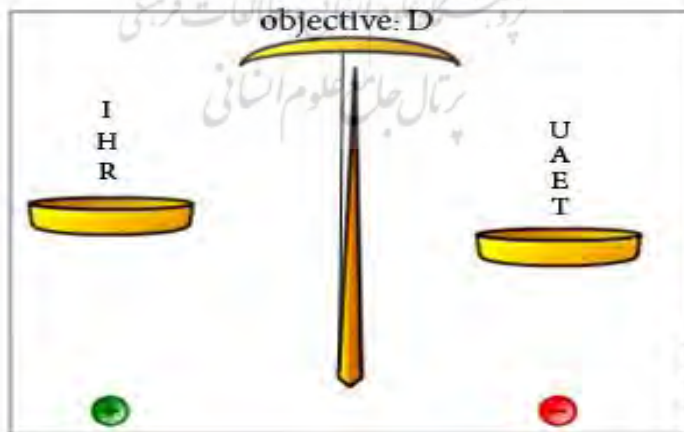
بازیگران مستقل‌تر قرار دارند. در قسمت شمال شرقی بازیگران تأثیرگذار و تأثیرپذیر و در قسمت جنوب شرق بازیگران وابسته‌تر قرار دارند. از این رو روسیه مستقل‌ترین بازیگر قرار دارد. در حالی که حزب الله (H) تأثیرپذیرترین و اثرپذیرترین بازیگر در میان بازیگران مورد شناسایی قرار گرفته است.

در شکل (۲) حداکثر توان هر یک از بازیگران به صورت مجموعی که شامل تأثیر مستقیم، غیرمستقیم و بازخورد تقابل هر یک را در مجموع نشان می‌دهد، ارائه گردیده است که در آن روسیه قوی‌ترین نقش را ایفا می‌کند. در حالی که حزب الله ضعیف‌ترین نقش را در میان سایر بازیگران دارد.



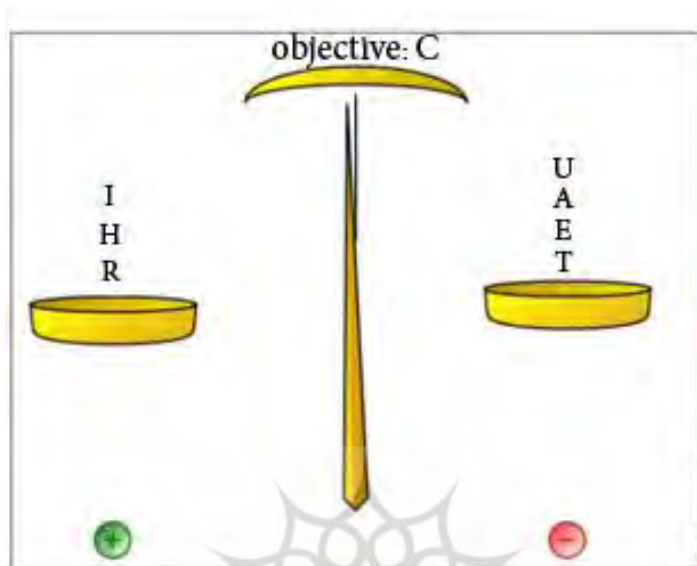
شکل (۲) نمودار حداکثر توان هر بازیگر بصورت مجموعی نسبت به سایر بازیگران

گرافیک زیر (شکل ۳) نقش بازیگران در خصوص هدف D (حفظ اسد) را نمایش می‌دهد؛ چنانچه پیداست مخالفان ماندن اسد در قدرت، کمی نیرومندتر از حامیان حفظ او هستند.



شکل (۳) ارزیابی نقش بازیگران نسبت به هدف D (حفظ اسد)

گرافیک زیر (شکل ۴) نقش بازیگران در هدف C (حفظ تمامیت ارضی سوریه) را نمایش می‌دهد که حاکی از قوی‌تر بودن موافقان حفظ تمامیت ارضی سوریه است.



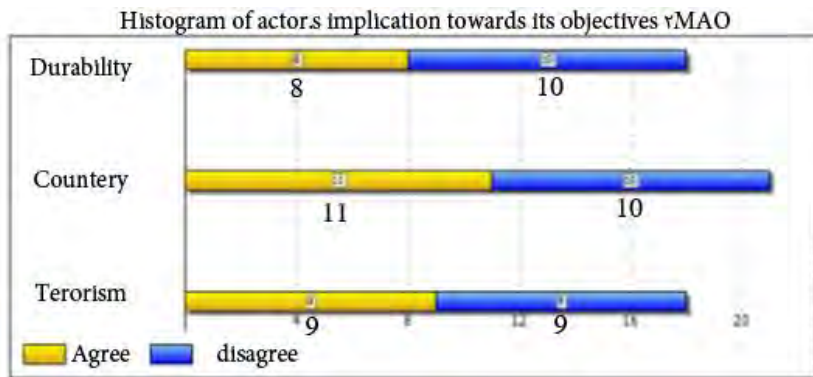
شکل (۴) ارزیابی نقش بازیگران نسبت به هدف C (حفظ تمامیت ارضی)

گرافیک زیر (شکل ۵) نقش بازیگران در هدف T (مبارزه با تروریسم) را نمایش می‌دهد؛ که تقریباً مخالفان و موافقان در حال تعادل هستند.



شکل (۵) ارزیابی نقش بازیگران در هدف T (مبارزه با تروریسم)

نمودار زیر (شکل ۶) اصرار بازیگران برای اهداف سه‌گانه را نمایش می‌دهد؛ موافقت‌ها (زرد) و مخالفت‌ها (آبی) را نمایش می‌دهد. بعلاوه اینکه حفظ تمامیت ارضی از دو مورد دیگر پراهمیت‌تر بوده است چون از ۲۰ هم گذشته است.



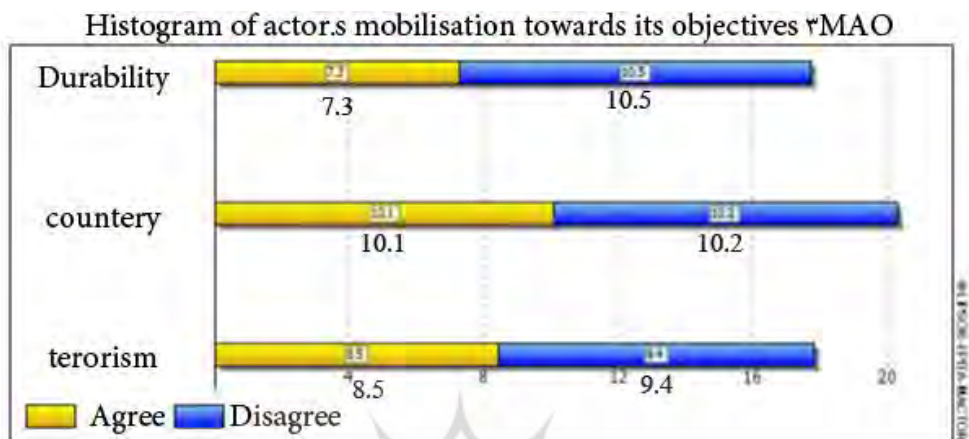
شکل (۶) اصرار بازیگران نسبت به اهداف سه‌گانه

میزان توان بازیگران در بسیج دیگران برای تحقق اهداف در ماتریس زیر (جدول ۶) نمایش داده شده است:

جدول (۶) ارزیابی رقابت بازیگران در اهداف سه‌گانه

3MAO	D	C	T	obilis ation
I	2.9	3.8	2.9	9.5
U	-2.1	-4.2	-2.1	8.4
A	-4.3	-2.1	-3.2	9.6
H	2.0	2.7	2.0	6.7
R	2.4	3.6	3.6	9.6
K	-2.3	-1.1	-2.3	5.7
E	-1.8	-2.7	-1.8	6.4
Number of agreements	7.3	10.1	8.5	
Number of disagreements	-10.5	-10.2	-9.4	
Number of mobilisation	17.8	20.3	17.9	

در شکل (۷) اصرار مجموع بازیگران در تحقق اهداف سه‌گانه به تصویر کشیده شده است. رنگ زرد، موافقان هر یک از اهداف سه‌گانه و آبی، مخالفان را نمایش می‌دهد. اول: حفظ اسد، دوم حفظ تمامیت ارضی و سوم: مبارزه با تروریسم.

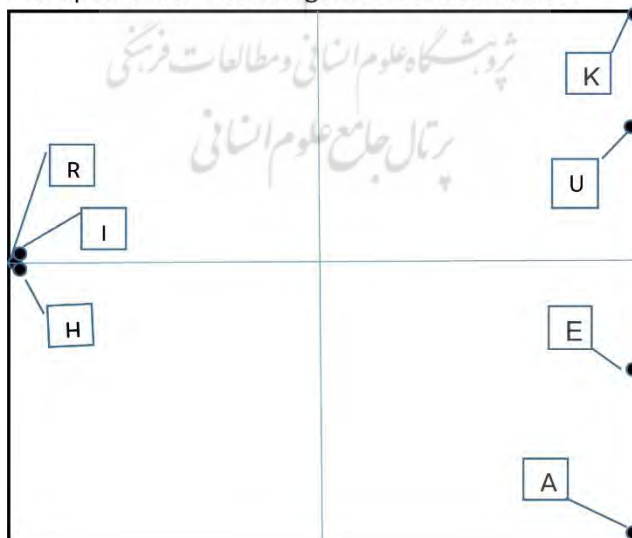


شکل (۷) ارزیابی رقابت بازیگران در اهداف سه‌گانه

و: همگرایی‌ها و واگرایی‌های بازیگران:

در شکل (۸) همگرایی بین بازیگران H و I و R بیشترین همگرایی وجود دارد در حالی که بین سایرین همگرایی زیادی وجود ندارد.

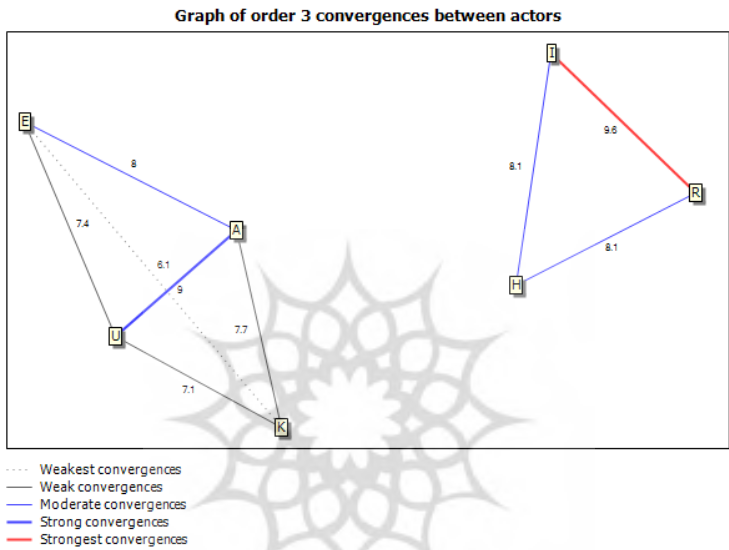
Map of order ۱ convergences between actors



شکل (۸) ارزیابی همگرایی و واگرایی بازیگران

- شدت همگرایی بین بازیگران

این ماتریس (شکل ۹) ارزش و وزن همگرایی بین بازیگران را نشان می‌دهد که به صورت دوجه‌دو و اتخاذ منافع مشترک بین آن‌ها و همچنین اولویت‌های هریک از بازیگران نسبت به اهداف تعیین شده ترسیم شده است. که شدت همگرایی‌ها با نقطه‌چین و رنگ‌ها ترسیم شده است. رنگ قرمز شدت همگرایی را نمایش می‌دهد که میان ایران و روسیه برقرار شده است. پس از آن همگرایی میان آمریکا و عربستان قرار دارد.

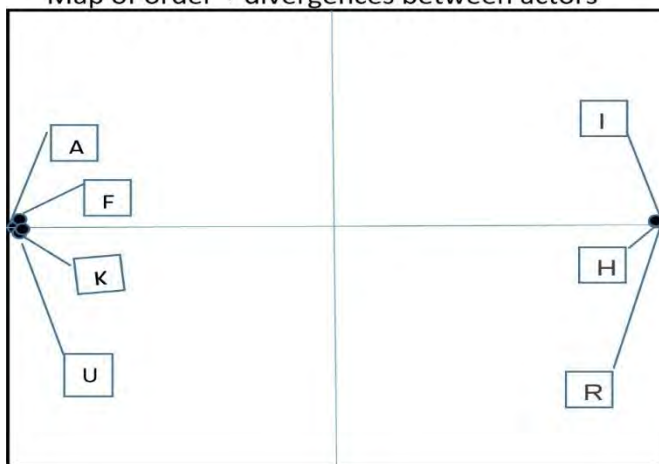


شکل (۹) ارزیابی همگرایی بازیگران

- شدت واگرایی بین بازیگران

شدت واگرایی بین بازیگران در شکل (۱۰) آمده است. در این نمودار بین سه بازیگر H, I, R و یک طرف و در مقابل E, A, U, K و بیشترین واگرایی نسبت به اهداف سه‌گانه وجود دارد. هرچند میان هر دو طیف از بازیگران نیز واگرایی‌های اندکی وجود دارد.

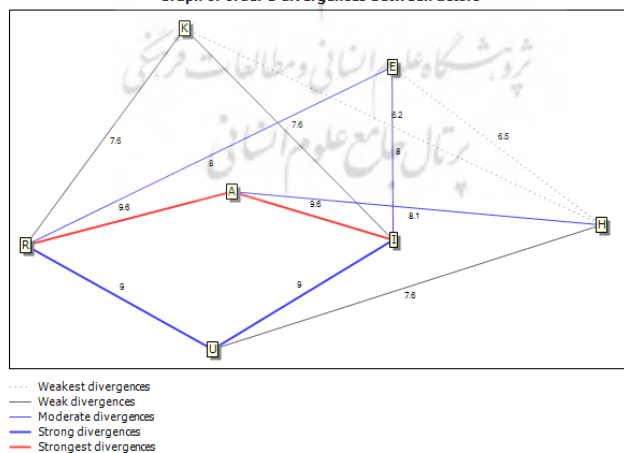
Map of order ۱ divergences between actors



شکل (۱۰) ارزیابی واگرایی بازیگران در هر طیف و شدت واگرایی میان دو طیف

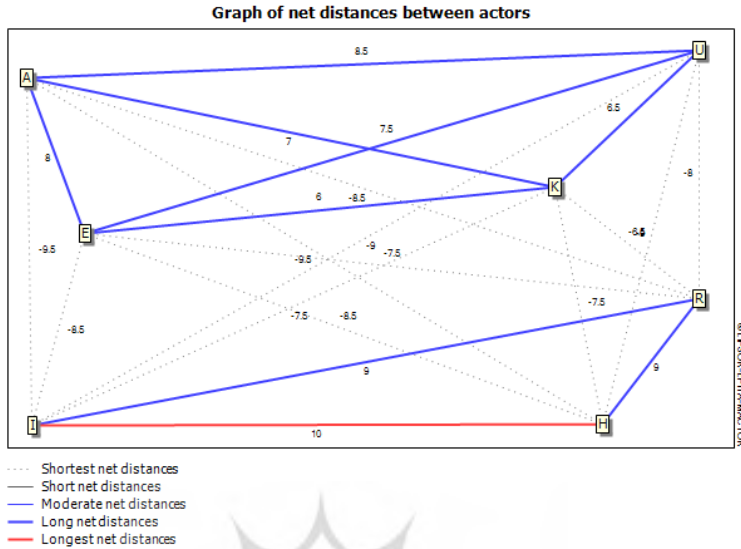
در شکل زیر (شکل ۱۱) که به واگرایی‌ها اشاره شده است، واگرایی‌های قوی با قرمز و در مرحله بعد با آبی پررنگ مشخص گردیده است. لذا در این ماتریس می‌توان بر روی نقاط مشترک بالقوه و توافق بر سر آن و احتمال درگیری‌های آینده را مشخص نمود. چنانچه پیداست بیشترین تضاد و واگرایی میان ایران، عربستان و روسیه است و در مرحله بعد میان ایران، روسیه و آمریکا. درحالی‌که می‌توان تعارض حزب‌الله و اسرائیل در مسئله سوریه را ضعیف تحلیل کرد.

Graph of order 3 divergences between actors



شکل (۱۱) ارزیابی واگرایی بازیگران

ز: ارزیابی نزدیکی اهداف



شکل (۱۲) ارزیابی اشتراک اهداف بازیگران

نمودار فوق (شکل ۱۲) ارزیابی اشتراک اهداف در سه مسئله مورد بحث در سوریه هست که می‌تواند برای شناسایی ائتلاف‌های بالقوه با محاسبه همگرایی‌ها و واگرایی بکار رود. با توجه به اهداف بازیگران، قوی‌ترین ارتباط بین ایران و حزب‌الله برقرار شده است و سپس میان ایران، روسیه و حزب‌الله. در جبهه مقابل نیز ارتباط قوی بین ۴ بازیگر برقرار شده است. در نتیجه برای ارتباط‌گیری و ائتلاف‌ها می‌توان بر اساس نمودار بر روی بازیگران هم‌سوتر برنامه‌ریزی نمود.

بحث و نتیجه‌گیری

مکتور نرم‌افزاری قوی برای ارزیابی رفتار بازیگران در یک موضوع خاص است. چنانچه پیداست این نرم‌افزار کمک نموده است تا روابط بین بازیگران مطرح در موضوع سوریه به دقت مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد.

چنانچه اشاره شد بیش از ۲۰ بازیگر در تحولات سوریه قابل شناسایی بودند که در ۷ دسته بازیگر دسته‌بندی شدند. این هفت بازیگر با اهداف و توانایی‌های متفاوت در سوریه و مسائل آن دخیل بوده‌اند. در نهایت این تعداد از بازیگران نیز در سه هدف راهبردی، حفظ یا اسقاط دولت اسد، حفظ تمامیت ارضی سوریه یا تلاش برای تجزیه سوریه و مبارزه با تروریسم یا با هدف عدم تضعیف تروریسم در دو جبهه رو در روی یکدیگر قرار گرفته‌اند. تصمیم هر یک از

این هفت بازیگر کلیدی، بر روی بازیگر دیگر اثرگذار بوده است. با توجه به تحلیل قوت و ضعف از وضعیت بازیگران می‌توان به این نتیجه رسید که رویکرد صرفاً نظامی هر بازیگر در سوریه موجب دستیابی به اهداف موردنظر خود نمی‌شود؛ چنانچه تاکنون نیز نشده است.

اگرچه حضور نظامی ایران و روسیه می‌تواند در میز مذاکره به گرفتن امتیازات بیشتر منتهی شود، ولی استراتژی اصلی در این حوزه باید بر روی ایجاد ائتلاف‌های جدید و استفاده از ضعف‌های رقیب در حوزه مسائل سوریه باشد. در مقابل می‌توان با ایجاد شکاف در ائتلاف‌های رقیب، جبهه مقابل را تضعیف کرد. به نظر می‌رسد سیاست درون‌گرایی آمریکا یکی از فرصت‌های پیش‌رو باشد که می‌تواند هم در مبارزه جدی‌تر علیه تروریسم بکار گرفته شود و هم در تثبیت دولت مستقر سوریه. علی‌الخصوص اینکه ترامپ پس از انتخاب شدن به ریاست جمهوری اعلام کرد در کنار اسد با تروریسم خواهد جنگید (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۵).

از مسائل مهم دیگری که اخیراً مورد توجه قرار گرفته است وحشت اروپا از گسترش تروریسم در این قاره است. با تأکید بر این مسئله که اگرچه پرورش تروریسم در سوریه و عراق اتفاق می‌افتد ولی هزینه‌های مالی و تسلیحاتی آن از طرف برخی کشورهای تأمین می‌شود که هم‌پیمان دولت‌های اروپایی هستند. لذا با کاستن مزیت‌های گروه دوم و تبدیل آن به نقاط قوت بازیگران اول، می‌توان بحران سوریه را تقلیل داد. نکته دیگر کاستن از جبهه معارضین و توافق با آنان در جهت مبارزه با داعش، النصره و گروه‌های مشابه است. این اتفاق چندان دور از دسترس نیست چنانچه از مذاکرات آستانه، زمزمه‌های چنین توافقی به گوش می‌رسد. از طرف دیگر پیغام‌های غیرحضوری اخیر از طرف عربستان و جبهه عربی و به نیابت از شورای همکاری خلیج فارس از طریق کویت و متعاقب آن سفر رئیس‌جمهوری ایران به دو کشور عربی عمان و کویت را می‌توان مزیت‌های بازیگران طیف اول برای استفاده از ابزار مذاکره در جهت تقویت این جبهه در جهت نیل به اهداف خود تبیین کرد (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۵). این مسئله با توجه به این نکته اهمیت می‌یابد که امروزه عربستان و جبهه عربی پس از هزینه‌های هنگفت در عراق و سوریه به اهداف خود دست نیافته‌اند و برای کاستن از فشار پیروزی‌های اخیر درصددند به میز مذاکره پناه ببرند درحالی‌که پیش از سقوط بخش عظیم موصل در عراق و فتح حلب چنین رویکردی از عربستان و جبهه عربی اصلاً قابل پیش‌بینی نبود.

منابع

- ابراهیمی، شهروز. (۱۳۸۳). عربستان و سیستم قدرت در خلیج فارس، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۳، سال هفتم، پاییز ۸۳.
- اسحاقی گرجی، مجید. و همکاران. (۱۳۹۴). *روابط شکننده ایران و عربستان*، دانشکده روابط بین‌الملل قابل دسترس در: http://sir.ac.ir/uploads/iran_va_arbestan.pdf.
- امید، علی. (۱۳۹۰). عثمانی‌گری جدید در سیاست خارجی ترکیه، *فصلنامه روابط بین‌الملل*، شماره سوم.
- جوادی، فتح. (۱۳۸۴). سوداهای امریکا در طرح خاورمیانه بزرگ، *مجله راهبرد*، ش ۳۵.
- حسون، احمد بدرالدین، پایگاه اطلاع‌رسانی مشرق به نقل از العهد، ۲۱/۵/۹۵ قابل دسترس در: <http://www.mashregnews.ir/fa/news/601848>.
- خبرگزاری ایسنا. (۱۳۹۷). قابل دسترس در: <https://www.isna.ir/news/۹۷۰۱۲۵۰۸۴۷۴>.
- ذوقی بارانی. (۱۳۹۰). تحلیل ژئوپلیتیک سوریه؛ بستری برای تدوین سیاست خارجی ایران در خاورمیانه، *مجله سیاست دفاعی*، ش ۷۷.
- زرگر، افشین. (۱۳۹۲). نفوذ اقتصادی روسیه در آسیای مرکزی بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، ش ۸۲.
- سیمبر، رضا. (۱۳۹۳). مؤلفه‌های اساسی محیط امنیتی ایران و سوریه، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ش ۹.
- شهریاری، محمدعلی. (۱۳۹۵). بررسی رویکرد جمهوری اسلامی ایران در سوریه، *فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی*، ش ۲۷.
- عبدلی، قهرمان. (۱۳۸۶). *نظریه بازی‌ها و کاربردهای آن*، تهران: سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تهران.
- عرب، علی. (۱۳۷۸). کاربرد نظریه بازی‌ها در علوم انسانی، *مجتمع آموزش عالی قم*، سال اول.
- عشیری، احمد. (۱۳۹۴). مشاور وزیر دفاع عربستان در مصاحبه با خبرنگاران به نقل از پرس تی وی <http://www.presstv.ir/Detail/Fa/2016/02/05/448819/Russia-Syria-Saudi-Arabia-military-Daesh>.
- کوهکن، علیرضا. (۱۳۹۳). بحران سوریه و سیاست منطقه‌ای عربستان، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال سوم شماره ۱۰.
- گر، تد رابرت. (۱۳۷۴). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، *دفتر مطالعات راهبردی*، چاپ اول، تهران.
- متقی، ابراهیم. (۱۳۹۴). بررسی سیاست خارجی ایران در قبال بحران سوریه، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی*، ش ۲۴.

- مقام معظم رهبری. (۱۳۹۵). قابل دسترس در: <http://farsi.khamenei.ir/others-note?id=35398>
- موسوی، سید حسین. (۱۳۸۸). بلندی‌های جولان و امنیت رژیم صهیونیستی، فصلنامه مطالعات راهبرد، تابستان ۱۳۸۸، شماره ۴۴.
- نادری، عباس. (۱۳۹۴). خبرگزاری مهر ۹۴/۱/۸: قابل دسترس در: <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/601845>
- نصرالله، سید حسن. (۱۳۹۴). گفتگوی مستقیم تلویزیونی به نقل از: <http://avapress.com/vdcaoyny.html#k15nmof9>
- نیاکویی، سید امیر. و بهمنش، حسین. (۱۳۹۱). بحران سوریه: اهداف و رویکردها، فصلنامه روابط خارجی، سال ۴ زمستان ۱۳۹۱.
- Arcade, J. et al. (1999). *Structural analysis with the MICMAC method & Actor's strategy with MACTOR method*. Futures Research Methodology, American Council for the United Nations University: The Millennium Project: 1-69.
- barond, R. (2011). *Zero problems forein policy no more: turkey and syrian abyss*. In: www.foreinpolicyjournal.com 26.11.2011.
- Bolton, K.R. (2011). Iran: The Next domino? *Foreign Policy Journal*, February. 22. IN: <http://www.foreignpolicyjournal.com/2011/02/22/iran-the-next-domino>.
- Cathail, Maidhc. (2011). *Sanctioning Syria: The Long Road to Damascus*. In: <http://www.foreignpolicyjournal.com/2011/11/19/sanctioning-syria-the-long-road-to-damascus/>.
- <http://fararu.com/fa/news/149017/F>.
- <http://www.jamnews.ir/detail/News/632642>.
- <http://www.mashreghnews.ir/fa/news/413924>.
- <http://www.mehrnews.com/news/1691673/>.
- <https://www.tasnimnews.com/fa/news/> / / / / /
- Jesse, E. (2011). *Forecasting the Future of Iran: Implications for U.S. Strategy and Policy...* Santa Monica, CA: RAND Corporation.
- Morecroft, J.D. W & Sterman, John, D. (1994). Modeling for Learning Organizations, *Productivity Press*, Portland, OR, pp: 132-141.
- wagner, D. (2011). *turkey, s high stakes forein policy gamble*. In: www.foreinpolicyjournal.com/2011/09/12. http://foreignpolicy.com/posts/013/04/05/a_coordinated_us_strategy_on_syria?wp_login_redirect=0